

## تفاوت فرآیندی دعوی ورود ثالث اصلی و تبعی در مرحله بدوی و تجدیدنظر

چکیده

بررسی تفاوت فرآیندی دعوی ورود ثالث چه به صورت اصلی چه به صورت تبعی در دو مرحله بدوی و تجدیدنظر از موضوعات مبتلا به نظام حقوقی قضایی محسوب می شود. ورود شخص ثالث در دعاوی چه در مرحله بدوی چه تجدیدنظر از استثنائات اصل نسبی بودن و مخالف اصل ممنوعیت دخالت اشخاصی غیر از طرفین پرونده می باشد. ورود ثالث دارای دو وضعیت اصلی و تبعی از حیث مستقل یا وابسته بودن حق ثالث نسبت به طرفین دعوی است. دعوی ورود ثالث دارای تشریفات و آیین رسیدگی خاص بوده و قابلیت طرح خواسته جدید توسط ثالث در دعاوی فوق الذکر بر حسب اصلی یا تبعی بودن کاملاً متفاوت است. در حقوق فرانسه نیز وارد ثالث در مرحله ی پژوهش دارای شرایط متفاوتی است. در مقاله حاضر به مطالعه تطبیقی قواعد ورود ثالث در حقوق ایران و فرانسه پرداخته شده است. هدف از مطالعه ی تطبیقی، بررسی قواعد حاکم در دو سیستم حقوقی ایران و فرانسه و انتخاب قواعد با کارایی بهتر می باشد. روش تحقیق در مقاله حاضر، با بررسی مبانی حقوقی و قضایی، به سبک تحلیلی توصیفی با شیوه کاربردی است.

واژگان کلیدی: ورود ثالث، دخالت ثالث در تجدیدنظر، صلاحیت، نظارت دادگاه.

### Abstract

Judicial supervision is considered as integral part of the process. In two legal systems of Iran and France, these two Fights are acceptable in the appeal stage. A comparative study of the two entities in the two legal systems shows that in most rules they are similar and there are slight differences between them. Third-party involvement in the appeal stage is one of the exceptions to the principle of prohibition of interference by persons other than the parties to the case. The deadline for a third-party litigation in Iran is until the end of the first hearing, while in France until the end of the investigation. The condition of acceptance of a lawsuit in France is the transformation of the lawsuit. The transformation of litigation occurs when new facts of truth or a are discovered. The jurisdiction of a judge to obtain a third party under certain conditions in French law is another difference with Iran., while in Iran this is not possible. Some of the rules of third party intervention in the appeal stage are not mentioned in the law and must be determined by law. Third-party Claims in French law are admissible upon termination

**Keys words:** Third-party Claims , Third-party involvement in appeal stage , competence, Court Supervision,

مقدمه

مداخله ثالث در دادرسی دو شق دارد. شق اول دخالت ارادی است که ثالث با اختیار خود وارد دادرسی می‌گردد و ورود ثالث نام دارد. شق دیگر دخالت اجباری می‌باشد که ثالث را بدون اراده‌ی وی فرا می‌خوانند و جلب ثالث نام دارد که دعوی اخیر از موضوع مقاله حاضر خارج است. در ق.آ.د.م قواعد دعاوی ورود ثالث در مواد ۱۳۰ الی ۱۳۴ تصریح شده است. مطابق ماده‌ی ۱۳۰ ق.آ.د.م «هرگاه شخص ثالثی در موضوع اصحاب دعوی اصلی برای خود مستقلاً حقی قابل باشد و یا خود را در محق شدن یکی از طرفین ذی‌نفع بداند، می‌تواند تا وقتی که ختم دادرسی اعلام نشده است، وارد دعوا گردد». در ادامه‌ی این ماده اجازه‌ی ورود ثالث در مرحله‌ی تجدید نظر داده شده است. ورود ثالث، استثنائی بر اصل ممنوعیت دخالت اشخاص غیر از طرفین پرونده می‌باشد. ورود ثالث بر حسب ماده اخیر الذکر در دو مرحله بدوی و تجدید نظر تا قبل ختم دادرسی امکان پذیر است. وارد ثالث در مرحله‌ی تجدید نظر با وارد ثالث در مرحله‌ی بدوی دارای شرایط متفاوتی است. در مرحله‌ی تجدید نظر ثالث در مرحله‌ی بدوی غایب بوده است و حضور نداشته است در حالیکه وارد ثالث در مرحله‌ی تجدید نظر با یک حکم صادر شده روبرو است.

در خصوص مقاله حاضر تاکنون از حیث بررسی فروض و تشریفات دعوی ورود ثالث در مقاطع قبل و بعد از ختم دادرسی در حقوق ایران و فرانسه هیچ گونه تحقیقی با این کیفیت صورت نگرفته است و عمده مقالات در خصوص بحث کلی دعوی ورود ثالث است و تحلیل مناسبی پیرامون طرح دعوی یاد شده در مقطع قبل و بعد از ختم دادرسی صورت نگرفته است. هم چنین تحلیل مناسبی در خصوص تمایز دعوی ورود ثالث در دو مرحله بدوی و تجدید نظر صورت نگرفته که در بند اول در مورد شرایط مداخله ثالث در ورود ثالث اصلی و تبعی و در بند دوم در مورد آیین رسیدگی و تشریفات آن، در بند سوم در مورد تاثیر رد دعوی اصلی بر دعوی ورود ثالث و در بند چهارم در مورد طرح دعوی ورود ثالث بعد از ختم دادرسی تحقیق صورت گرفته است. مقاله حاضر به تمامی موضوعات و شبهات مطروحه در این مورد پرداخته است. پلان مقاله بدین صورت است

## ۱- شرایط مداخله ثالث در ورود ثالث اصلی و تبعی

وارد ثالث در دو مرحله بدوی و تجدیدنظر امکان ورود دارد. وارد ثالث در مرحله‌ی تجدید نظر فردی است که در مرحله‌ی بدوی در رسیدگی نبوده است و با توجه به صدور حکم به ضرر وی وارد رسیدگی می‌گردد. مطابق ماده‌ی ۱۳۰ ق.آ.د.م، ثالث در ورود به دعوا دو وضعیت دارد؛ وضعیت اول حالتی است که ثالث برای خود در دعوی مطروحه مستقلاً حقی قابل باشد که به این حالت ورود ثالث اصلی یا استقلالی گویند<sup>۱</sup> وضعیت دیگر حالتی است که ثالث به عنوان مستقل، حقی در موضوع دعوا ندارد بلکه خود را در محق شدن

<sup>۱</sup>عبداله، شمس. آیین دادرسی مدنی. جلد اول. چاپ یازدهم. تهران: انتشارات دراک. (۱۳۸۵) ۴۳

یکی از طرفین دعوا ذی نفع می‌داند که به آن ورود ثالث تبعی گفته می‌شود. در مورد ثالث اصلی، خواهان ادعای حق مستقلی می‌نماید و ممکن است به عنوان خواهان علیه یکی از طرفین یا هر دوی آنها طرح دعوا نماید. در ورود ثالث تبعی، ثالث با دو هدف ممکن است وارد دعوا گردد. اول اینکه به عنوان کمک کار و ناظر دعوا وارد شود و در صورت ضعیف بودن دلایل طرفی که می‌خواهد به او کمک کند دلایل قوی تری ارائه نماید. دوم اینکه جلوی تبانی طرفین دعوا علیه خود را بگیرد که به این بخش ورود استحضافی می‌گویند.<sup>۲</sup> **قسم اخیر دعوی ورود ثالث طاری (استحضافی) در ظاهر و به دلیل وابسته نبودن به یک از طرفین دعوی اصلی، دارای شباهت با ورود ثالث اصلی است؛ اما تفاوت آن‌ها در این است که وارد ثالث تبعی، خواسته‌ای مستقل از طرفین دعوی اصلی ندارد و ادعای حقی در این خصوص مطرح نکرده است و صرفاً از تبانی و تزییع احتمالی حقوق آینده خود واهمه دارد. بررسی تفاوت فرآیندی دعوی ورود ثالث چه به صورت اصلی چه به صورت تبعی در دو مرحله بدوی و تجدیدنظر که ذیلاً به آن پرداخته می‌شود از اهمیت زیادی برخوردار است.**

## ۱-۱ ورود ثالث اصلی

ورود ثالث اصلی، دعوی را از جهت موضوع و اطراف گسترش می‌دهد. یعنی هم اطراف دعوا را زیاد می‌کند و هم خواسته‌ی جدید به دعوا اضافه می‌گردد. ثالث اصلی در مرحله‌ی تجدید نظر خواهی باید به عنوان خواهان وارد گردد و تمام تشریفات قانونی را به‌عنوان خواهان رعایت نماید. برخلاف ورود ثالث تبعی، وارد ثالث اصلی یک خواهان به تمام معنا است که خود را دارای حق مستقلی در دعوا می‌داند. اگر دعوی ورود ثالث در مرحله‌ی بدوی توسط دادگاه بدوی مورد پذیرش قرار نگیرد و رد شود، سپس دادگاه تجدید نظر آن را در مقام رسیدگی تجدید نظر خواهی مورد پذیرش قرار دهد، باید خود به این دعوا توأم با دعوی اصلی رسیدگی نماید.

دو شرط اساسی برای رسیدگی به دعوی ورود ثالث در مرجع بدوی و تجدیدنظر وجود دارد. این شروط در ماده‌ی ۱۳۳ ق.آ.م. ذکر شده‌اند.

شرط اول این است که وارد ثالث با هدف تبانی با طرف دیگر یا تأخیر در رسیدگی اقامه‌ی دعوا نکرده باشد. در صورت احراز این هدف دادگاه دعوی ثالث را از دعوی اصلی تفکیک نموده و به هر یک جداگانه رسیدگی می‌کند. در این حالت فروض مختلفی قابل تصور می‌باشد. در صورتی که دعوی فرعی ورود ثالث در صلاحیت ذاتی دادگاه تجدید نظر نباشد، مبادرت به ارسال پرونده به مرجع صالح می‌نماید و پرونده‌ی اصلی را تا حصول نتیجه‌ی پرونده‌ی مذکور در صورت عدم امکان رسیدگی بدون حصول نتیجه با قرار اناطه متوقف می‌نماید. البته در صورتی که مرجع تجدید نظر صلاحیت محلی نداشته باشد، با توجه به ذیل ماده‌ی ۱۳۳ ق.آ.م. مانعی در رسیدگی به دعوی ورود ثالث نمی‌باشد.

<sup>۲</sup> عبدالحسین، علی‌آبادی. **موازین قضایی. هیأت عمومی دیوان عالی کشور.** جلسه چهارم. چاپ نخست. تهران: شرکت سهامی انتشار. (۱۳۸۴)، ۸۱

شرط دوم مطابق ماده‌ی ۱۳۳ ق.آ.م.ا این است که رسیدگی به دعوی اصلی منوط به رسیدگی به دعوی ثالث باشد، لذا در صورتی که رسیدگی به دعوی اصلی تجدید نظر خواهی منوط به رسیدگی به دعوی ورود ثالث نباشد، دادگاه تجدید نظر آنها را از یکدیگر تفکیک نموده و به هر کدام جدا رسیدگی خواهد نمود.

در حقوق فرانسه نیز امکان طرح دعوی ورود ثالث وجود دارد. لکن مطابق ماده‌ی ۳۲۶ ق.آ.م.ا فرانسه «اگر دخالت شخص ثالث بیم ایجاد تأخیر در صدور رأی نسبت به تمام دعوا را ایجاد کند، دادرس ابتدا نسبت به تمام دعوی اصلی رأی صادر می‌کند و سپس نسبت به مداخله رأی می‌دهد». در حقوق فرانسه نیز دعوی ورود ثالث (دخالت ارادی) مطابق ماده‌ی ۳۲۸ ق.آ.م.ا به دو قسم اصلی و تبعی تقسیم گردیده است. در ماده ۳۳۹ قانون مذکور به تعریف دعوی ورود ثالث اصلی پرداخته است. مطابق این ماده «دخالت (ورود) اصلی است هنگامی که ثالث ادعایی را به نفع خود مطرح می‌کند. این دخالت قابل پذیرش نیست مگر در صورت وجود حق اقدام برای مدعی نسبت به آن ادعا»<sup>۳</sup>.

## ۱-۲ ورود ثالث تبعی

وارد ثالث تبعی برای خود حق مستقلی قایل نیست و تنها خود را در محق شدن یکی از طرفین دعوا ذی نفع می‌داند. لذا خواهان در دعوی ورود ثالث تبعی خواهان به معنای تام نمی‌باشد و همه شرایط لازم برای خواهان ورود ثالث اصلی در اینجا رعایت نمی‌گردد. البته شرایط کلی اقامه‌ی دعوا باید رعایت گردد ولی در خصوص ذی نفع بودن و ارتباط با دعوی اصلی تفسیر موسع صورت می‌گیرد. زیرا وارد ثالث اصلی دارای حق مستقلی نیست که شرط ذی نفعی به معنای اخص لازم و ضروری باشد و صرفاً برای تقویت ادله اصحاب دعوی ورود می‌کند. از سویی چون وارد ثالثی تبعی دارای خواسته‌ای مستقل از دعوی اصلی نبوده و اساساً خواسته به غیر از تقویت ادله طرفین دعوی اصلی مطرح نمی‌کند، شرط مرتبط بودن با دعوی اصلی منتفی و سالبه به انتفاء موضوع است، زیرا شرط مرتبط بودن دعوی طاری (از جمله ورود ثالث) با دعوی اصلی، حسب مواد ۱۰۳ و ۱۴۱ ق.آ.م.ا این است که اولاً خواسته‌های دو دعوی اصلی و طاری متمایز از هم ولی ناشی از یک منشاء باشد. ثانیاً اتخاذ تصمیم در یکی موثر در دیگری باشد. در حالی که در دعوی ورود ثالث، شرط اول (خواسته‌های متمایز) مفقود و اساساً خواسته‌ای مطرح نمی‌شود. به عبارتی وارد ثالث تبعی بدون هیچ محدودیتی و حتی بدون رعایت دو شرط مربوط به مرتبط بودن دعوی به راحتی وارد دعوی اصلی شده و در جهت تقویت ادله یکی از اصحاب دعوی اصلی اقدام کند.

در مرحله‌ی تجدید نظر ابتدا باید از رأی صادره در مرحله‌ی بدوی تجدید نظر خواهی شده باشد تا بتوان به عنوان ثالث تبعی وارد دعوا گردید. نحوه‌ی برخورد با وارد ثالث تبعی بستگی به طرفی دارد که به حمایت از او وارد دعوا شده است. اگر وارد ثالث تبعی در حمایت از تجدید نظر خوانده وارد دعوا شده باشد، آثار و شرایط تجدید نظر خوانده بر او بار شده و در صورتی که در حمایت از تجدید نظر خواه وارد شده باشد مشابه تجدید نظر خواه با او رفتار می‌گردد.<sup>۴</sup> وارد ثالث تبعی نمی‌تواند خواسته‌ای متفاوت از طرف

<sup>۳</sup> حسن، محسنی، آیین دادرسی مدنی فرانسه. چاپ دوم. تهران: شرکت سهامی انتشار، (۱۳۹۱)، ۱۷۱ و ۱۷۲

<sup>۴</sup> احمد، متین دفتری، مجموعه رویه‌ی قضایی. قسمت حقوقی. چاپ اول. تهران: انتشارات رهام. (۱۳۸۱)، ۳۲۴

ذی نفع خود ادعا نماید. از طرفی اگر وارد ثالث تبعی به حمایت از خواننده وارد دعوا شده باشد و خواننده‌ی دعوا به دعوای خواهان تمکین نماید، وارد ثالث تبعی نمی‌تواند تعقیب دعوا را ادامه بدهد درحالی‌که در وارد ثالث اصلی به این صورت نمی‌باشد.<sup>۵</sup>

در دعوای ورود ثالث تبعی بر خلاف دعوای ورود ثالث اصلی اگر شرایط دعوای ورود ثالث تبعی وجود نداشته باشد، چون خواهان برای خود حق مستقلی قائل نیست و امکان تفکیک پرونده و رسیدگی به دعوای ورود ثالث تبعی ممکن نیست دادگاه قرارعدم استماع دعوی را صادر و به پرونده‌ی اصلی ادامه می‌دهد. در نتیجه ماده‌ی ۱۳۳ ق.آ.د.م در بحث ورود ثالث تبعی قابلیت اجرا ندارد. هر چند برخی دکترین معتقد به صدور قرار رد دعوی هستند.<sup>۶</sup> ولی ترجیح قرارعدم استماع دعوی بر قرار رد دعوی این است که موارد صدور قرار رد دعوی در مواد مختلف ق.آ.د.م از جمله مواد ۸۴ و ۸۹ آن قانون ذکر شده است و مصادیق قرار موصوف، منصوص به نظر می‌رسد. در خصوص ضمانت اجرای عدم رعایت شرایط دعوای ورود ثالث تبعی، قرار موصوف پیش بینی نشده است. در حالی که صدور قرارعدم استماع دعوی بر اساس م ۲ ق.آ.د.م در مواردی است که دعوایی برابر قانون مطرح نشده است و در مانحن فیه در صورت عدم رعایت شرایط طرح دعوای ورود ثالث تبعی، صدور قرارعدم استماع دعوی کاملاً وجاهت قانونی دارد.

در حقوق فرانسه، در ماده‌ی ۳۳۰ ق.آ.د.م فرانسه وارد ثالث را هنگامی تبعی می‌داند که برای حمایت و تأکید بر ادعاهای یکی از طرفین وارد شده باشد. وارد ثالث تبعی در حقوق فرانسه به دنبال خواسته‌ای خاص در دعوا و یا تغییر در موضوع دعوا نیست، البته وارد ثالث می‌تواند با ارائه‌ی جهات جدید خواسته‌های شخصی که مورد نظرش می‌باشد را تقویت کند.<sup>۷</sup> لذا هدف وارد ثالث تبعی تقویت موقعیت یکی از طرفین دعوا است. شرایط پذیرش دعوای ورود ثالث تبعی بستگی به شخص مورد حمایت او دارد و لذا نفع و اهلیت مستقل به معنای اخص لازم نیست، بلکه برای آنکه درخواست او پذیرفته شود، باید صرفاً نفع و اهلیت نسبت به حمایت از اصحاب دعوای اصلی را داشته باشد. در حقوق فرانسه رویه‌ی قضایی این کشور حتی نفع محتمل و اخلاقی که مبتنی بر وجدان شخص است را می‌پذیرد و لزومی به نفع بالفعل هم نمی‌بیند.<sup>۸</sup> در این دعوا نیاز به وجود ارتباط کافی با دعوای اصلی منتفی است چراکه هدف وارد ثالث تبعی حمایت از دعوای یکی از طرفین است و ادعای جدیدی ندارد. حتی در بحث اهلیت ثالث تبعی برخی حقوقدانان فرانسوی عمل وی را نوعی عمل اداری تلقی می‌کنند و اهلیت کاملی را که برای اقامه‌ی دعوا لازم می‌دانند برای وارد ثالث تبعی لازم نمی‌دانند (قاضی دادگاه نیز می‌تواند به نفع وارد ثالث تبعی حکم صادر کند و از طرفی وارد ثالث تبعی هم نمی‌تواند درخواست محکومیت طرف دیگر دعوا را به نفع خود بنماید ولی ممکن است به خاطر جبران خسارت ناشی از دعوای ورود ثالث تبعی از طرف دادگاه محکوم گردد. نقش وارد ثالث در دعوا بستگی به طرفی دارد که به حمایت از او وارد دعوا می‌گردد. اگر وارد ثالث به صورت اصلی

<sup>۵</sup> عبدالحسین، علی‌آبادی، پیشین. ص ۸۱

<sup>۶</sup> عبدالله، شمس، آیین دادرسی مدنی. جلد اول. چاپ یازدهم. تهران: انتشارات دراک. (۱۳۸۵)، ۴۳

<sup>۷</sup> وودرکر و دامبارا: ۲۰۰۴: ص ۸

<sup>۸</sup> رسول، مقصودپور، دعوای طاری و شرایط اقامه آن. چاپ دوم. تهران: انتشارات مجد (۱۳۹۱)، ۳۵۹

باشد و حق مستقلی را مطالبه نمایند نقش خواهان را دارد و اگر به صورت تبعی باشد ممکن است خواهان یا خواننده باشد و ویژگی‌های شخصی را دارد که به حمایت از آن طرف وارد دعوا شده است.<sup>۹</sup>

## ۲- آیین رسیدگی و تشریفات دعوای ورود ثالث

### ۱-۲ آیین رسیدگی

وارد ثالث در دو مرحله بدوی و تجدیدنظر امکان ورود دارد. وارد ثالث در مرحله‌ی تجدید نظر فردی است که در مرحله‌ی بدوی در رسیدگی نبوده است و با توجه به صدور حکم به ضرر وی وارد رسیدگی می‌گردد. آیین رسیدگی به دعوای ورود ثالث مطابق ماده‌ی ۱۳۴ ق.آ.د.م در هر مرحله چه نخستین یا تجدید نظر مطابق مقررات عمومی راجع به آن مرحله می‌باشد. در دعوای وارد ثالث اصلی، وارد ثالث نقش خواهان را دارد و لذا تمام آثار و حقوق و تکالیف لازم برای خواهان بر وی اعمال خواهد شد. در دعوای ورود ثالث اصلی در صورتی که خواهان در دعوای طرح شده محکوم گردد، مطابق قواعد تجدید نظر می‌تواند از رأی صادره تجدید نظر خواهی نماید، ولی این موضوع در وارد ثالث تبعی متفاوت می‌باشد و وارد ثالث تبعی در صورتی که طرفی که برای حمایت از وی وارد دعوا شده است محکوم گردد، نمی‌تواند به رأی صادره اعتراض نماید.<sup>۱۰</sup>

وارد ثالث مطابق دلالت مواد ۱۳۰ و ۱۳۱ ق.آ.د.م برای ورود به دعوا باید دادخواست تنظیم نماید. بر اساس ماده‌ی ۱۳۱ ق.آ.د.م «دادخواست ورود شخص ثالث و رونوشت مدارک و ضمائ آن باید به تعداد اصحاب دعوای اصلی به علاوه‌ی یک نسخه باشد و شرایط دادخواست اصلی را دارا خواهد بود»، لذا دادخواست ورود ثالث چه اصلی و چه تبعی باید به طرفین دعوای تجدید نظر خواهی اقامه گردد. بر اساس ماده‌ی ۶۸ ق.آ.د.م فرانسه طرح دعوای ورود ثالث در مرحله‌ی تجدید نظر باید در قالب تقدیم دادخواست باشد. البته در مرحله‌ی بدوی می‌توان با درخواست و مشابه دفاع ماهوی در دعوا، دعوای طاری از جمله ورود ثالث را اقامه نمود. شیوه‌ی طرح آنها مشابه اقامه دعوا می‌باشد. به موجب این ماده «درخواست‌های طاری به همان شیوه‌ای که جهات دفاعی مطرح می‌شوند علیه طرفین رسیدگی طرح می‌شوند. این درخواست‌ها علیه طرفین غائب یا اشخاص ثالث به همان شکلی که برای آغاز نمودن رسیدگی مقرر شده است مطرح می‌شوند. در مرحله‌ی پژوهش این درخواست‌ها به موجب احضارنامه انجام می‌شوند». دعوای ورود ثالث اصلی و تبعی را حتی پس از ختم رسیدگی نیز مطابق ماده‌ی ۷۸۳ ق.آ.د.م فرانسه می‌توان مورد پذیرش قرار داد. مطابق این ماده پس از قرار ختم تحقیق در پرونده، هیچ لایحه‌ای قابل تقدیم و هیچ سندی قابل پذیرش نمی‌باشد.<sup>۱۱</sup> در ادامه‌ی این ماده چند مورد استثناء بر این قاعده را ذکر نموده است که یکی از موارد استثناء دعوای ورود ثالث می‌باشد. وارد ثالث مطابق ماده‌ی ۶۷ ق.آ.د.م در دادخواست خود باید خواسته‌ها و جهات و دلایل خود را قید نموده و به آن ضمیمه نماید و به علاوه باید برای خود وکیل انتخاب نماید.

<sup>۹</sup> کوچز و همکاران، ۱۹۹۸: ص ۳۷۹

<sup>۱۰</sup> شمس، ۱۳۸۴، ص ۴۹

<sup>۱۱</sup> حسن، محسنی، «آیین دادرسی مدنی فرانسه». چاپ دوم. تهران: شرکت سهامی انتشار. (۱۳۹۱)، ۷۲.

در صورتی که دادخواست به صورت صحیح و کامل تقدیم شده باشد، مطابق ماده‌ی ۱۳۲ ق.آ.د.م پس از صدور قرار رسیدگی توأمان هر دو پرونده نسبت به ادامه‌ی رسیدگی اقدام می‌گردد. مطابق این ماده «پس از وصول دادخواست شخص ثالث وقت رسیدگی به دعوی اصلی به وی نیز ابلاغ می‌گردد و نسخه‌ای از دادخواست و ضمائم آن برای طرفین دعوی اصلی ارسال می‌شود. در صورت نبودن وقت کافی به دستور دادگاه وقت جلسه‌ی دادرسی تغییر و به اصحاب دعوا ابلاغ خواهد شد». لذا مطابق این ماده اگر برای پرونده‌ی اصلی وقت رسیدگی تعیین شده باشد، این وقت برای پرونده‌ی ثالث نیز در نظر گرفته و به طرفین ابلاغ می‌گردد. اگر پرونده‌ی اصلی در وقت نظارت باشد باید برای هر دو پرونده وقت رسیدگی واحدی تعیین و به طرفین ابلاغ گردد.<sup>۱۲</sup> پس از رسیدگی به هر دو دعوی اصلی و ورود ثالث دادگاه ختم رسیدگی را اعلام و ضمن یک حکم مبادرت به صدور رأی می‌نماید. این رای مطابق قواعد حاکم بر مرحله‌ی تجدید نظر قطعی است و به غیر از موارد مصرح قانونی قابلیت تجدید نظر خواهی ندارد. در صورتی که رای در مرجع بدوی صادر شده باشد، مطابق مقررات قانونی، قابلیت تجدید نظر خواهی را دارد.

## ۲-۲ هزینه دادرسی دعوی ورود ثالث

هزینه دادرسی دعوی ورود ثالث مطابق ماده‌ی ۱۳۴ ق.آ.د.م<sup>۱۳</sup> براساس هزینه‌ی مرحله‌ای است که دعوا در آن مرحله طرح گردیده است، زیرا هزینه دادرسی یکی از تشریفات و ترتیبات دادرسی محسوب می‌شود. با توجه به عدم تفکیک، هزینه‌ی دادرسی دعوی وارد ثالث اصلی بر اساس میزان خواسته و ارزش آن در مرحله‌ی بدوی و تجدید نظر خواهد بود ولی در ورود ثالث تبعی هزینه‌ی دادرسی مطابق هزینه‌ی مرحله‌ی طرح شده و تابع دعوی اصلی باشد.<sup>۱۴</sup> لذا در مورد هزینه دادرسی دعوی ورود ثالث چند نکته قابل توجه است:

اول اینکه برای محاسبه هزینه دادرسی دعوی ورود ثالث، تفکیک بین ورود ثالث اصلی و تبعی ضروری است، زیرا در وارد ثالث تبعی، خواهان این دعوی، صرفاً در حمایت از یکی از طرفین دعوی اصلی ورود می‌کند و درخواستی متفاوت از طرفین دعوی اصلی ندارد و حتی در صدد بیان خواسته نبوده و صرفاً در جهت تقویت ادله خواهان یا خوانده ورود دارد و خواسته‌ای مطرح نمی‌کند لذا همان طور که از عنوان نام چنین دعوی مشخص است، کاملاً جنبه تبعی داشته و وابسته به دعوی اصلی از جمله میزان هزینه دادرسی محسوب می‌شود. درحالی که در دعوی ورود ثالث اصلی، وارد ثالث به عنوان خواهان تمام عیار محسوب و دارای خواسته‌ای مستقل از طرفین دعوی اصلی است و می‌تواند حتی خواسته‌ای متفاوت از خواسته دعوی اصلی البته با رعایت مرتبط بودن با دعوی اصلی، مطرح کند؛ لذا هزینه دادرسی چنین دعوی قطعاً بر اساس نوع و میزان خواسته و متناسب با مقررات همان مرحله دادرسی از جمله بدوی یا تجدید نظر محاسبه می‌شود.

<sup>۱۲</sup> مهاجری، ۱۳۹۳، ص ۲۷۷

<sup>۱۳</sup> «... ترتیبات دادرسی در مورد شخص ثالث در هر مرحله چه نخستین یا تجدید نظر برابر مقررات عمومی راجع به آن مرحله است.»

<sup>۱۴</sup> عباس، داریوش، "رسیدگی بدوی دعاوی حقوقی در دادگاه تجدید نظر و آثار آن"، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده آموزش‌های الکترونیکی دانشگاه قم. (۱۳۸۶). ۹۷

دوم اینکه هزینه دادرسی هر دو دعوای اصلی و تبعی بر اساس همان مرحله دادرسی (حسب مورد بدوی یا تجدید نظر) وفق ذیل ماده ۱۳۴ قانون اخیر الذکر خواهد بود. حتی اگر وارد ثالث در مرحله تجدید نظر طرح دعوی کند و خواسته ای متفاوت با خواسته دعوای اصلی داشته باشد، می بایست متناسب با درصد قابل محاسبه مرحله تجدیدنظر، هزینه دادرسی را پرداخت کند و عدم رسیدگی در مرحله بدوی و رسیدگی اولیه در مرجع تجدینظر موجبی برای عدم پرداخت هزینه مرحله تجدیدنظر نخواهد بود، زیرا آنچه ملاک عمل خواهد، طرح خواسته در مرحله بدوی یا تجدیدنظر است.

## ۲-۳ عنوان خواسته در دعوای ورود ثالث اصلی و تبعی

### ۲-۳-۱ خواسته ورود ثالث اصلی

همان طور که ذکر شد در دعوای ورود ثالث اصلی، وارد ثالث به عنوان خواهان تمام عیار محسوب و دارای خواسته ای مستقل از طرفین دعوای اصلی است و می تواند حتی خواسته ای متفاوت از خواسته دعوای اصلی البته با رعایت مرتبط بودن با دعوای اصلی، مطرح کند. مطابق ماده ۱۳۰ ق.آ.م.م وارد ثالث می تواند مستقلاً دارای حقی برای طرح دعوی باشد. نکته قابل توجه این است که خواسته های دعوای وارد ثالث اصلی به عنوان یکی از دعوای طاری، باید دارای وصف مرتبط بودن موضوع ذیل ماده ۱۴۱ ق.آ.م.م باشد، زیرا بر اساس ماده ۱۷ ق.آ.م.م<sup>۱۵</sup> شرط رسیدگی توأمان دعوای طاری با دعوای اصلی، مرتبط یا دارای منشاء واحد بودن است. دلیل پذیرش طرح خواسته متفاوت با خواسته دعوای اصلی (البته با رعایت مرتبط بودن) در دعوای ورود ثالث اصلی این است که وارد ثالث اصلی دارای ادعایی مبنی بر داشتن حق مستقل از طرفین دعوای اصلی است که این حق مستقل، ممکن در قالب خواسته مشابه با خواسته دعوای اصلی باشد یا متفاوت از آن.

### ۲-۳-۲ خواسته ورود ثالث تبعی

وارد ثالث تبعی باید در متن دادخواست قید نماید که منظور از طرح دعوای وی حمایت از کدام یک از اطراف دعوا می باشد. در صورتی که وارد ثالث دعوای خود را تنها به طرفیت یکی از اطراف دعوا اقامه نماید از موجبات قرار رد دعوا مطابق ماده ۲ قانون آیین دادرسی مدنی می باشد<sup>۱۶</sup>. بحثی که در حقوق فرانسه چالش برانگیز شده است در خصوص طرح دعوای جدید توسط ثالث در مرحله ی پژوهش خواهی می باشد. سؤال این است که آیا ثالث می تواند در دعوای ورود خود ادعای جدیدی مطرح نماید. طرح ادعای جدید به موجب ماده ۵۶۴ ق.آ.م.م فرانسه ممنوع است و این ممنوعیت شامل وارد ثالث نمی گردد. ولی دیوان عالی کشور فرانسه در رأیی به استناد ماده ۱۰۸ مصوبه ۷۲-۷۸۸ در ۲۸ اوت در خصوص ماده ۵۶۵ طرح ادعای جدید را در قالب ورود ثالث نپذیرفت. مطابق این استدلال صرفاً وارد ثالث تبعی می تواند به مرحله ی پژوهش ورود نماید که استدلال نادرستی می باشد. دیوان عالی کشور

<sup>۱۵</sup> هر دعوایی که در اثنا رسیدگی به دعوای دیگر از طرف خواهان یا خواننده یا شخص ثالث یا از طرف متداعیین اصلی بر ثالث اقامه شود، دعوای طاری نامیده می شود. این دعوا اگر با دعوای اصلی مرتبط یا دارای یک منشاء باشد، در دادگاهی اقامه میشود که دعوای اصلی در آنجا اقامه شده است.

<sup>۱۶</sup> عباس، زراعت، «قانون آیین دادرسی مدنی در نظم حقوقی ایران». چاپ چهارم. تهران: نشر خط سوم. (۱۳۸۴)، ۴۹۴.

فرانسه در تفسیری که از ماده‌ی ۴۶۶ قانون قدیم آیین دادرسی مدنی فرانسه داشت نیز مشابه این استدلال را ذکر نموده بود لکن دعاوی که با دعاوی بدوی رابطه‌ی تجزیه ناپذیری دارند را قابل طرح می دانست.<sup>۱۷</sup>

وارد ثالث تبعی نمی تواند درخواستی متفاوت با خواسته‌ی دعاوی اصلی مطرح نماید. اگر خواهان خواسته‌ی خود را صراحتاً در دادخواست مشخص ننماید، دادگاه باید در جلسه‌ی رسیدگی دقیقاً با پرسش از وی خواسته‌ی وی را مشخص نماید. لذا این مورد از موارد نقض دادخواست و رعایت تشریفات نقص دادخواست توسط مدیر دفتر نمی باشد.<sup>۱۸</sup> خواسته‌ی دعاوی ورود ثالث همیشه مساوی یا کمتر از خواسته‌ی دعاوی اصلی است و خواسته نمی تواند بیشتر از خواسته‌ی دعاوی اصلی باشد زیرا این دعوا، دعاوی تبعی است و لذا نمی تواند فراتر از دعاوی اصلی باشد.

### ۳- تاثیر رد دعاوی اصلی بر دعاوی ورود ثالث

در خصوص تاثیر رد دعاوی اصلی بر دعاوی ورود ثالث ذکر چندین نکته از حیث اصلی یا تبعی بودن دعاوی ورود ثالث ضروری است:

۳-۱ اول اینکه در دعاوی ورود ثالث اصلی در صورت استرداد دادخواست دعاوی اصلی یا ابطال آن و یا استرداد دعوا و رد آن و یا عدم استماع دعوا و زمان آن، رسیدگی به دعاوی ورود ثالث اصلی ادامه می یابد و تأثیری بر دعاوی ورود ثالث اصلی ندارد<sup>(۱۹)</sup> زیرا طبق ماده‌ی ۱۳۰ ق.آ.م.و ارد ثالث میتواند مستقلاً دارای حقی برای طرح دعوی باشد و اساساً یک دعاوی مستقل البته مرتبط با دعاوی اصلی محسوب می شود. ولی در ورود ثالث تبعی در صورت زوال دعاوی اصلی، رسیدگی به این دعوا موضوعاً منتفی خواهد بود و دادگاه قرار رد دعوا صادر خواهد کرد. این موضوع در رأی شماره‌ی ۲۹۷-۷۲/۴/۳۱ شعبه سوم دیوان عالی کشور نیز ذکر گردیده است: «در صورت مردود اعلام شدن دعاوی اصلی و انتفای رسیدگی به آن، نسبت به دعاوی وارد ثالث تبعی قرار رد صادر خواهد شد

۳-۲ دوم اینکه در ماده‌ی ۱۳۴ ق.آ.م.و ارد حالت دیگری را نیز ذکر می کند که ثالث علیرغم حضور در مرحله‌ی بدوی در مرحله‌ی تجدید نظر قادر به ورود خواهد بود. مطابق این ماده رد یا ابطال دادخواست و یا رد دعاوی شخص ثالث مانع از ورود او در مرحله‌ی تجدید نظر نخواهد بود. لذا در صورتی که ثالث در مرحله‌ی بدوی وارد شده و به هر علتی دادخواست او باطل یا رد شده باشد و یا دعاوی ورود وی رد یا ابطال شده باشد در مرحله‌ی تجدید نظر می تواند به عنوان ثالث وارد گردد، زیرا عملاً در دادرسی بدوی حضور نداشته است و اثر مذکور در خصوص قرار عدم استماع دعاوی ثالث در مرحله‌ی بدوی نیز قابل تسری است<sup>(۲۰)</sup>. البته ثالث در مرحله‌ی بدوی نیز می تواند از قرارهای رد یا ابطال صادره مطابق قواعد تجدید نظر خواهی وارد دعوا گردد<sup>(۲۱)</sup>.

<sup>۱۷</sup> رسول مقصدپور، *دعاوی طاری و شرایط اقامه آن*. چاپ دوم. تهران: انتشارات مجد. (۱۳۹۱)، ۳۷۳

<sup>۱۸</sup> احمد، متین دفتری، *مجموعه رویه‌ی قضایی*. قسمت حقوقی. چاپ اول. تهران: انتشارات رهام. (۱۳۸۱)، ۳۲۶

<sup>۱۹</sup> شمس، ۱۳۸۵، ص ۴۶

<sup>۲۰</sup> عبدالله، شمس، *آیین دادرسی مدنی*. جلد اول. چاپ یازدهم. تهران: انتشارات دراک. (۱۳۸۵) ۴۹

<sup>۲۱</sup> مقصدپور، پیشین، ص ۳۴۵

به نظر ما در صورت رد یا ابطال دادخواست و یا رد دعوی شخص ثالث در مرحله بدوی، شخص ثالث دو راهکار دارد و صرفاً یکی از دو راهکار ذیل الذکر را میتواند انتخاب نماید و جمع دوراهکار موصوف امکان پذیر نخواهد بود:

راهکار نخست اینکه طبق مقررات تجدیدنظر خواهی به رای صادر مبنی بر رد یا ابطال دادخواست و یا رد دعوی شخص ثالث تجدیدنظر خواهی کند چون رای موصوف بر اساس مقررات مواد ۳۳۱ و ۳۳۲ ق.آ.د.م می تواند قابلیت تجدیدنظر خواهی را داشته باشد.

راهکار دوم اینکه بدون طی راهکار نخست و عدم اعتراض توسط ثالث به رای یاد شده، در مرحله تجدیدنظر (در صورت اعتراض طرفین دعوی اصلی به رای دعوی اصلی) دعوی ورود ثالث را مجدداً مطرح نماید و قسمت اول ماده ۱۳۴ ق.آ.د.م موید این نظر است. زیرا مطابق این ماده «رد یا ابطال دادخواست و یا رد دعوی شخص ثالث مانع از ورود او در مرحله تجدید نظر نخواهد بود.» نکته قابل توجه در خصوص ماده یاد شده این است که عبارت «رد یا ابطال دادخواست و یا رد دعوی شخص ثالث» صرفاً شامل قرارها است البته عبارت «رد یا ابطال دادخواست» که کاملاً محرز و مسلم است ولی نباید ظاهر عبارت «رد دعوی شخص ثالث» مخاطب را متقاعد به پذیرش اطلاق آن یعنی شامل هم حکم و هم قرار نماید، زیرا در صورتی که ثالث دعوی ورود ثالث در مرحله بدوی را مطرح نماید و دادگاه بدوی بعد از رسیدگی حکم بر رد دعوی وارد ثالث صادر کند، ثالث صرفاً می تواند به حکم موصوف اعتراض نماید و طرح دعوی مجدد ورود ثالث در مرحله تجدیدنظر مخالف قاعده لزوم اعتبار احکام قضایی خواهد بود، زیرا به موجب ماده ۲۹۹ ق.آ.د.م حکم بعد از ورود به ماهیت دعوی صادر خواهد شد و قاطع آن به طور جزئی یا کلی خواهد بود و وصف قاطع بودن دلالت بر این امر دارد که نمی تواند ادعایی برخلاف آن مطرح کرد. در حالی که قرارها فاقد دو وصف یاد شده هستند. و با صدور قرار رد دعوی یا ابطال دادخواست در مرحله بدوی، امکان طرح مجدد دعوی ورود ثالث در مرحله تجدیدنظر وجود دارد. از سویی قاعده اعتبار امر مختوم به غیر از قرار سقوط دعوی، صرفاً در احکام جاری شود و لذا در صورتی که حکم علیه وارد ثالث در مرحله بدوی صادر شود و نامبرده بتواند بدون توجه به مفاد حکم موصوف، مجدداً در مرحله تجدیدنظر طرح دعوی ورود ثالث نماید، اساساً قاعده اعتبار امر مختوم بی اعتبار خواهد شد.

#### ۴- طرح دعوی ورود ثالث بعد از ختم دادرسی

طرح دعوی ورود ثالث بعد از ختم دادرسی در دو مرحله بدوی و تجدید نظر قابل تصور است. مهلت طرح دعوی ورود ثالث مطابق ماده ۱۳۰ ق.آ.د.م در مرحله بدوی و نیز تجدید نظر تا قبل از اعلام ختم رسیدگی می باشد. اثبات تاریخ اطلاع ثالث از دعوی مطروحه تأثیری ندارد و ثالث چه از طرح دعوا آگاه باشد و تعمداً طرح دعوا ننماید و چه مطلع نباشد تأثیری در حق ورود وی ایجاد نمی کند.

اگر رأی در دیوان عالی کشور نقض گردد و به دادگاه تالی جهت رسیدگی ارجاع گردد چون کلیه آثار مترتب بر حکم منقوض از بین می رود، ثالث می تواند در این مرحله وارد رسیدگی گردد<sup>۲۲</sup>.

زمان طرح دعوی ورود ثالث نسبت به سایر دعاوی طاری بیشتر است؛ علت این امر این است که با توجه به احتمال اینکه ثالث از جریان دادرسی اطلاع نداشته باشد در جهت رعایت حقوق وی این مهلت برای او قرار داده شده است.<sup>۳۳</sup> خواهان تا قبل از اعلام ختم دادرسی باید دادخواست ورود خود را به عنوان ثالث تقدیم نماید

#### ۴-۱ در مرحله بدوی

در صورتی که در مرحله بدوی و بعد از ختم دادرسی، دعوی ورود ثالث مطرح شود، اتفاق نظری بین مراجع قضایی وجود ندارد و نوع اقدام و تصمیم مرجع قضایی ممکن است یکی از حالات ذیل باشد:

#### ۴-۱-۱ صدور قرار رد دادخواست

ممکن است گفته شود که مقنن مهلت طرح دعوی ورود ثالث را حداکثر تا قبل از ختم دادرسی بر اساس ماده ۱۳۰ ق.آ.م.ا اعلام کرده است و عبارت تا قبل از ختم دادرسی نوعی مهلت محسوب بوده و طرح دعوی ورود ثالث بعد از ختم دادرسی نوعی دعوی خارج از مهلت محسوب می شود و می بایست بر اساس ملاک مقررات تبصره ۲ ماده ۳۳۹ ق.آ.م.ا<sup>۳۴</sup> قرار رد دادخواست به دلیل خارج از مهلت بودن صادر کرد. اشکال نظر فوق از این حیث بدیهی است که مهلت مندرج در ماده فوق الذکر برای ملاک داخل یا خارج از مهلت بودن بر اساس ماده ۳۳۶ همان قانون برای اشخاص مقیم ایران ۲۰ روز و برای اشخاص مقیم خارج از کشور ۲ ماه است و تسری مهلت مندرج در مادتين فوق الذکر برای مهلت طرح دعوی ورود ثالث (قبل از ختم دادرسی) قیاس مع الفارق است.

ایراد دیگر نظر فوق این است که بر اساس ماده ۴۴۲ ق.آ.م.ا موعده به سال یا ماه یا هفته و یا روز تعیین خواهد شد. وفق ماده ۴۴۳ همان قانون از نظر احتساب مواد قانونی، سال دوازده ماه، ماه سی روز، هفته هفت روز و شبانه روز بیست و چهار ساعت است. لذا وقتی که مقنن به صراحت مهلت طرح دعوی ورود ثالث را به سال، ماه و روز تعیین نکرده است، امکان اعمال مقررات تبصره ۲ ماده ۳۳۹ قانون یاد شده منتفی است.

یکی دیگر از ایرادات نظر فوق این است که در مرحله بدوی ممکن است بعد از ختم دادرسی، دعوی ورود ثالث مطرح شود ولی از رای بدوی (پرونده اصلی) توسط طرفین دعوی اصلی، تجدیدنظر خواهی صورت گرفته باشد که در این صورت همان طور که در بند بعدی مورد بحث قرار می گیرد، امکان ارسال پرونده به دادگاه تجدیدنظر به انضمام دعوی اصلی که از آن تجدیدنظر خواهی شده است، وجود دارد.

#### ۴-۱-۲ ارسال پرونده به مرجع تجدینظر

<sup>۳۳</sup> داریوش، پیشین، ص ۸۲

<sup>۳۴</sup> در صورتی که دادخواست خارج از مهلت داده شود و یا در مورد قانونی رفع نقص نگردد، به موجب قرار دادگاه صادر کننده رای بدوی رد می شود. این قرار ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ در مرجع تجدیدنظر قابل اعتراض است، رای دادگاه تجدیدنظر قطعی است.

نظر دیگر این است که در صورتی که در مرحله بدوی و بعد از ختم دادرسی، دعوی ورود ثالث مطرح شود، در صورت تجدید نظر خواهی از رای بدوی، دادگاه بدوی باید هر دو پرونده را به دادگاه تجدید نظر ارسال نماید تا دادگاه تجدید نظر آن را به عنوان ورود ثالث در مرحله تجدید نظر بررسی نماید. از طرف دیگر اگر طرفین تجدید نظر خواهی نمایند، چون دادخواست مطابق مقررات تنظیم نشده است قرار عدم استماع دعوا مستنداً به ماده ۲ ق.آ.د.م صادر می گردد. البته مطابق نظر دیگری در صورت عدم تجدید نظر خواهی از رأی به علت ختم دادرسی دفتر دادگاه تکلیفی بر پذیرش دادخواست ندارد و باید از پذیرش این دادخواست امتناع نمود<sup>۲۵</sup>.

#### ۴-۱-۳ تفکیک دعوی ورود ثالث از دعوی اصلی

بر اساس این نظر، در صورتی که در مرحله بدوی و بعد از ختم دادرسی، دعوی ورود ثالث مطرح شود، قاضی می بایست دعوی ورود ثالث را از دعوی اصلی تفکیک کرده و علی حده به دعوی ورود ثالث به عنوان یک دعوی مستقل رسیدگی کند. نظر فوق از این حیث دارای اشکال است که اولاً این نظر تفکیکی بین دعوی ورود ثالث اصلی و تبعی قائل نشده است، زیرا دعوی ورود ثالث تبعی اساساً دارای وصف استقلالی نبوده که قابلیت رسیدگی علی حده را داشته باشد. از سویی تفکیک دعوی اصلی از دعوی طاری در فرضی است که ارتباط بین دو دعوی یاد شده بر اساس ذیل ماده ۱۴۱ ق.آ.د.م<sup>۲۶</sup> وجود نداشته باشد یا اینکه دعوی اصلی به نحو قطعی مختومه شده باشد که نظر فوق این فرض یاد شده را در نظر نگرفته است؛ زیرا ممکن است از دعوی اصلی، تجدیدنظر خواهی شده باشد که در این صورت در صورت ارتباط دعوی اصلی با دعوی ورود ثالث، امکان رسیدگی علی حده ای دعوی ورود ثالث، بدون توجه به نتیجه رسیدگی در دادگاه تجدیدنظر نسبت به دعوی اصلی وجود ندارد. مطابق ماده ۳۲۵ ق.آ.د.م فرانسه نیز شرط پذیرش دعوی دخالت ثالث داشتن ارتباط کافی با ادعاهای طرفین ذکر شده است و رعایت این شرط برای انواع دخالت های ثالث اعم از اختیاری و اجباری لازم می باشد.

به نظر می رسد در بین نظرات و حالات فوق، نظریه دوم قوی به نظر میرسد؛ زیرا مقنن در ماده ۱۳۰ ق.آ.د.م امکان طرح دعوی ورود ثالث در مرحله تجدیدنظر را پیش بینی کرده است. از سویی صرف ختم دادرسی در مرحله بدوی به منزله اسقاط حق ذینفع برای ارسال دعوی ورود ثالث به دادگاه تجدیدنظر در صورت تجدیدنظر خواهی از رای دعوی اصلی نخواهد بود. لذا دادگاه بدوی مکلف است در صورتی که در مرحله بدوی و بعد از ختم دادرسی، دعوی ورود ثالث مطرح شود، در صورت تجدیدنظر خواهی از رای دعوی اصلی، دعوی ورود ثالث و اصلی را توأم به مرجع تجدیدنظر ارسال نماید. در صورتی که از رای دعوی اصلی تجدیدنظر خواهی نشود، بر خلاف نظر برخی دکترین که معتقد هستند "در صورت عدم تجدید نظر خواهی از رأی به علت ختم دادرسی دفتر دادگاه تکلیفی بر پذیرش دادخواست ندارد و باید از پذیرش این دادخواست امتناع نمود<sup>۲۷</sup>". به نظر میرسد دادگاه در این فرض می بایست بین

<sup>۲۵</sup> علی، مهاجری. *مبسوط در آیین دادرسی مدنی*. جلد دوم. چاپ اول. تهران: انتشارات فکر سازان. (۱۳۸۷)، ۱۳.

<sup>۲۶</sup> «... بین دو دعوی وقتی ارتباط کامل موجود است که اتخاذ تصمیم در هر یک موثر در دیگری باشد.»

<sup>۲۷</sup> علی، مهاجری. *مبسوط در آیین دادرسی مدنی*. جلد دوم. چاپ اول. تهران: انتشارات فکر سازان. (۱۳۸۷)، ۱۳.

دعوی ورود ثالث اصلی و تبعی تفکیک قائل شده و در دعوی ورود ثالث تبعی به دلیل عدم شان استقلالی و عدم امکان رسیدگی مستقل و به دلیل عدم طرح دعوی برابر قانون مستند به ماده ۲ ق.آ.م.ق. قرار عدم استماع دعوی صادر گردد و در صورتی که دعوی ورود ثالث از نوع اصلی باشد، رسیدگی علی حده و مستقل برابر مقررات صورت می گیرد.

#### ۴-۲ در مرحله تجدیدنظر

در صورتی که در مرحله تجدیدنظر و بعد از ختم دادرسی، دعوی ورود ثالث مطرح شود، در این صورت رویه قضایی و نظر واحدی نسبت به مرجع صالح رسیدگی به دعوی ورود ثالث یادشده وجود ندارد.

ممکن است برخی مراجع قضایی معتقد باشند که هر چند دعوی ورود ثالث بعد از ختم دادرسی تقدیم شده است ولی هر گونه تصمیم از جمله صدور قرار عدم استماع دعوی می بایست توسط مرجع تجدید نظر صادر گردد، زیرا بعد از ارسال پرونده اصلی به مرجع تجدیدنظر، صلاحیت بدوی برای رسیدگی به دعوی ورود ثالث خاتمه یافته است.

از سویی دیگر ممکن است برخی مراجع قضایی از جمله رویه غالب دادگاه های تجدیدنظر، معتقد به اعاده دعوی ورود ثالث به مرجع بدوی توسط مرجع تجدیدنظر در صورت تقدیم آن بعد از ختم دادرسی در مرحله تجدیدنظر و اتخاذ تصمیم توسط آن مرجع است.

به نظر می رسد از بین دو نظر فوق، نظر دوم یعنی اعاده دعوی ورود ثالث به مرجع بدوی توسط مرجع تجدیدنظر در صورت تقدیم آن بعد از ختم دادرسی در مرحله تجدیدنظر اولی است؛ زیرا صلاحیت مرجع تجدید نظر برای رسیدگی اولیه به دعوی ورود ثالث امری استثنایی است، چرا که به موجب ماده ۷ ق.آ.م.ق.<sup>۲۸</sup> اصل اولیه برای صلاحیت رسیدگی به دعوی، رسیدگی توسط مرجع بدوی است و دعوی ورود ثالث به عنوان احدی از استثنای اصل مذکور به موجب ماده ۱۳۰ همان قانون است و صلاحیت مرجع تجدیدنظر به دعوی ورود ثالث صرفاً تا قبل از ختم دادرسی دعوی اصلی است و در صورت طرح دعوی ورود ثالث بعد از ختم دادرسی، صلاحیت مرجع تجدیدنظر برای رسیدگی به دعوی یاد شده، خاتمه یافته و می بایست به اصل اولیه و کلی مندرج در قسمت اول ماده ۷ قانون یاد شده مبنی بر رسیدگی توسط مرجع بدوی استناد کرد. لذا صدور قرار عدم استماع دعوی برای دعوی ورود ثالث تبعی و یا رسیدگی مستقل به دعوی ورود ثالث اصلی توسط مرجع تجدیدنظر فاقد وجاهت قانونی است و این تکلیف بر عهده مرجع بدوی است.

در حقوق فرانسه نیز ظرف زمانی ورود ثالث مشابه حقوق ایران می باشد. طبق ماده ۳۲۷ ق.آ.م.ق. فرانسه ثالث در مرحله بدوی یا پژوهش خواهی می تواند وارد دعوا گردد. البته در مرحله فرجام خواهی وارد ثالث فقط به صورت تبعی می تواند وارد دعوا گردد. ثالث تا قبل از ختم رسیدگی می تواند وارد دعوا در هر دو مرحله بدوی و پژوهش خواهی گردد.

نتیجه

<sup>۲۸</sup> به ماهیت هیچ دعوی نمی توان در مرحله بالاتر رسیدگی نمود تا زمانی که در مرحله نخستین در آن دعوا حکمی صادر نشده باشد، مگر به موجب قانون

از مجموع بررسی های به عمل آمده در بررسی تفاوت فرآیندی دعوی ورود ثالث چه به صورت اصلی چه به صورت تبعی در دو مرحله بدوی و تجدیدنظر، چنین نتیجه گیری می شود:

۱- برای محاسبه هزینه دادرسی دعوی ورود ثالث، تفکیک بین ورود ثالث اصلی و تبعی ضروری است، زیرا در وارد ثالث تبعی، خواهان این دعوی، صرفاً در حمایت از یکی از طرفین دعوی اصلی ورود می کند و اینکه هزینه دادرسی هر دو دعوی اصلی و تبعی بر اساس همان مرحله دادرسی (حسب مورد بدوی یا تجدیدنظر) وفق ذیل ماده ۱۳۴ قانون اخیر الذکر خواهد بود.

۲- در دعوی ورود ثالث اصلی، می تواند حتی خواسته ای متفاوت از خواسته دعوی اصلی البته با رعایت مرتبط بودن با دعوی اصلی، مطرح کند. در حالی که در وارد ثالث تبعی نمی توان خواسته ای متفاوت از طرف ذی نفع خود ادعا نمود.

۳- در صورت رد یا ابطال دادخواست و یا رد دعوی شخص ثالث در مرحله بدوی، شخص ثالث دو راهکار دارد اول اینکه طبق مقررات تجدیدنظر خواهی به رای صادر مبنی بر رد یا ابطال دادخواست و یا رد دعوی شخص ثالث تجدیدنظر خواهی کند و دوم اینکه در مرحله تجدیدنظر (در صورت اعتراض طرفین دعوی اصلی به رای دعوی اصلی) دعوی ورود ثالث را مجدداً مطرح نماید و صرفاً یکی از دو راهکار ذیل الذکر را میتواند انتخاب نماید و جمع دوراهکار موصوف امکان پذیر نخواهد بود.

۴- طرح دعوی ورود ثالث بعد از ختم دادرسی در دو مرحله بدوی و تجدیدنظر قابل تصور است. در مرحله بدوی در صورت طرح دعوی ورود ثالث بعد از ختم دادرسی از بین نظریات الف) **صدور قرار رد دادخواست ب) ارسال پرونده به مرجع تجدیدنظر ج) تفکیک دعوی ورود ثالث از دعوی اصلی، نظریه ارسال پرونده به مرجع تجدیدنظر صحیح تر است؛** زیرا مقنن در ماده ۱۳۰ ق.آ.م.ا امکان طرح دعوی ورود ثالث در مرحله تجدیدنظر را پیش بینی کرده است. از سویی صرف ختم دادرسی در مرحله بدوی به منزله اسقاط حق ذینفع برای ارسال دعوی ورود ثالث به دادگاه تجدیدنظر در صورت تجدیدنظر خواهی از رای دعوی اصلی نخواهد بود. در مرحله تجدیدنظر از بین دو نظر، نظری که معتقد به اعاده دعوی ورود ثالث به مرجع بدوی توسط مرجع تجدیدنظر در صورت تقدیم آن بعد از ختم دادرسی اولی است؛ زیرا صلاحیت مرجع تجدیدنظر برای رسیدگی اولیه به دعوی ورود ثالث امری استثنایی است.

۵- هر چند با مطالعه ی تطبیقی قواعد ورود ثالث در دو سیستم حقوقی ایران و فرانسه ملاحظه میگردد در اکثر موارد مشابه می باشند ولی دعوی ورود ثالث در فرانسه حتی پس از اعلام ختم تحقیقات نیز قابل پذیرش می باشد. این در حالیست که در ایران تا اعلام ختم رسیدگی قابل طرح می باشد. با توجه به اعلام ختم رسیدگی عدم پذیرش این دعوا در جهت جلوگیری از اطاله دادرسی ارجح می باشد.

۶- براساس مادهی ۶۸ ق.آ.م.ا فرانسه طرح دعوی ورود ثالث در مرحلهی تجدیدنظر باید در قالب تقدیم دادخواست باشد. البته در مرحلهی بدوی می توان با درخواست و مشابه دفاع ماهوی در دعوا، دعاوی طاری از جمله ورود ثالث را اقامه نمود.

- داریوش، عباس. "رسیدگی بدوی دعاوی حقوقی در دادگاه تجدید نظر و آثار آن". پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده آموزش‌های الکترونیکی دانشگاه قم. (۱۳۸۶). ۹۷
- زراعت، عباس. **قانون آیین دادرسی مدنی در نظم حقوقی ایران**. چاپ چهارم. تهران: نشر خط سوم. (۱۳۸۴). ۴۹۴
- شهری، غلامرضا و امیر، حسین آبادی، مجموعه نظریات مشورتی اداره حقوقی دادگستری در مسائل مدنی از سال ۱۳۵۸ به بعد، انتشارات روزنامه رسمی.
- علی آبادی، عبدالحسین. **موازن قضایی. هیأت عمومی دیوان عالی کشور**. جلسه چهارم. چاپ نخست. تهران: شرکت سهامی انتشار. (۱۳۸۴). ۸۱
- صباغیان، حسین. (۱۳۸۶). «دعای طاری و ویژگی‌های آنها». **فصلنامه آراء**، معاونت علمی و آموزشی دادگستری اصفهان.
- صدرزاده افشار، سید محسن، آئین دادرسی مدنی و بازرگانی، انتشارات مؤسسه انتشارات جهاد دانشگاهی، (ماجد)، چاپ چهارم، تهران. (۱۳۷۶)
- شمس، عبدالله. **آیین دادرسی مدنی**. جلد دوم. چاپ نهم. تهران: انتشارات دراک. (۱۳۸۴).
- شمس، عبدالله. **آیین دادرسی مدنی**. جلد اول. چاپ یازدهم. تهران: انتشارات دراک. (۱۳۸۵). ۴۳
- کاشانی، جواد، جعفری، زهرا، بررسی انتقال تجدیدنظرخواهی در دعوی مدنی در حقوق ایران و فرانسه، فصلنامه پژوهش حقوق و سیاست، شماره ۱۳، (۱۳۹۰)
- محسنی، حسن.. **آیین دادرسی مدنی فرانسه**. چاپ دوم. تهران: شرکت سهامی انتشار. (۱۳۹۱)، ۱۷۲
- مقصودپور، رسول. **دعای طاری و شرایط اقامه آن**. چاپ دوم. تهران: انتشارات مجد. (۱۳۹۱). ۳۵۹
- مهاجری، علی. **قانون آیین دادرسی مدنی در نظم حقوقی کنونی**. چاپ سوم. تهران: انتشارات فکر سازان. (۱۳۹۳).
- مهاجری علی. **مبسوط در آیین دادرسی مدنی**. جلد دوم. چاپ اول. تهران: انتشارات فکر سازان. (۱۳۸۷). ۱۳
- متین، احمد. (۱۳۷۸). **مجموعه‌ی رویه قضایی**، قسمت حقوقی از سال ۱۳۱۱ تا ۱۳۳۵. چاپ اول. تهران: انتشارات گنج دانش. (۱۳۷۸)، ۳۲۶
- متین دفتری، احمد.. **مجموعه رویه قضایی**. قسمت حقوقی. چاپ اول. تهران: انتشارات رهام. (۱۳۸۱) ۳۲۴
- یوسفی گرگی، یونس، قربان وند، محمد باقر، البرزی ورکی، مسعود، نوریان، علیرضا، قاعده ممنوعیت طرح دعوی جدید در مرحله تجدیدنظر در حقوق ایران و فرانسه، مجله تعالی حقوق، سال دوازدهم، شماره یک، بهار (۱۴۰۰)

